

چرا یک مستندساز نقیش می‌شود سید شهیدان اهل قلم؟ حق هم دارند آنهایی که حرف‌های او را دوست نداشته و ندارند. آنها که در سودای بهشت زمینی غرب به سر می‌برند، چرا باید از کسی که رؤیای آنها را آشفته می‌کند خوش‌شان بیاید؟ آوینی جرأت آن را داشت که در مقابل پرسش‌های بزرگ قد علم کند و به آنها پاسخ دهد و دیگران را هم به تفکر وادارد

«وطن امروز» به بهانه پخش مجموعه مستند «آقامر ترضی»
نگاهی به زوایای اندیشه شهید آوینی داشته‌است

ماجرای فکر آوینی

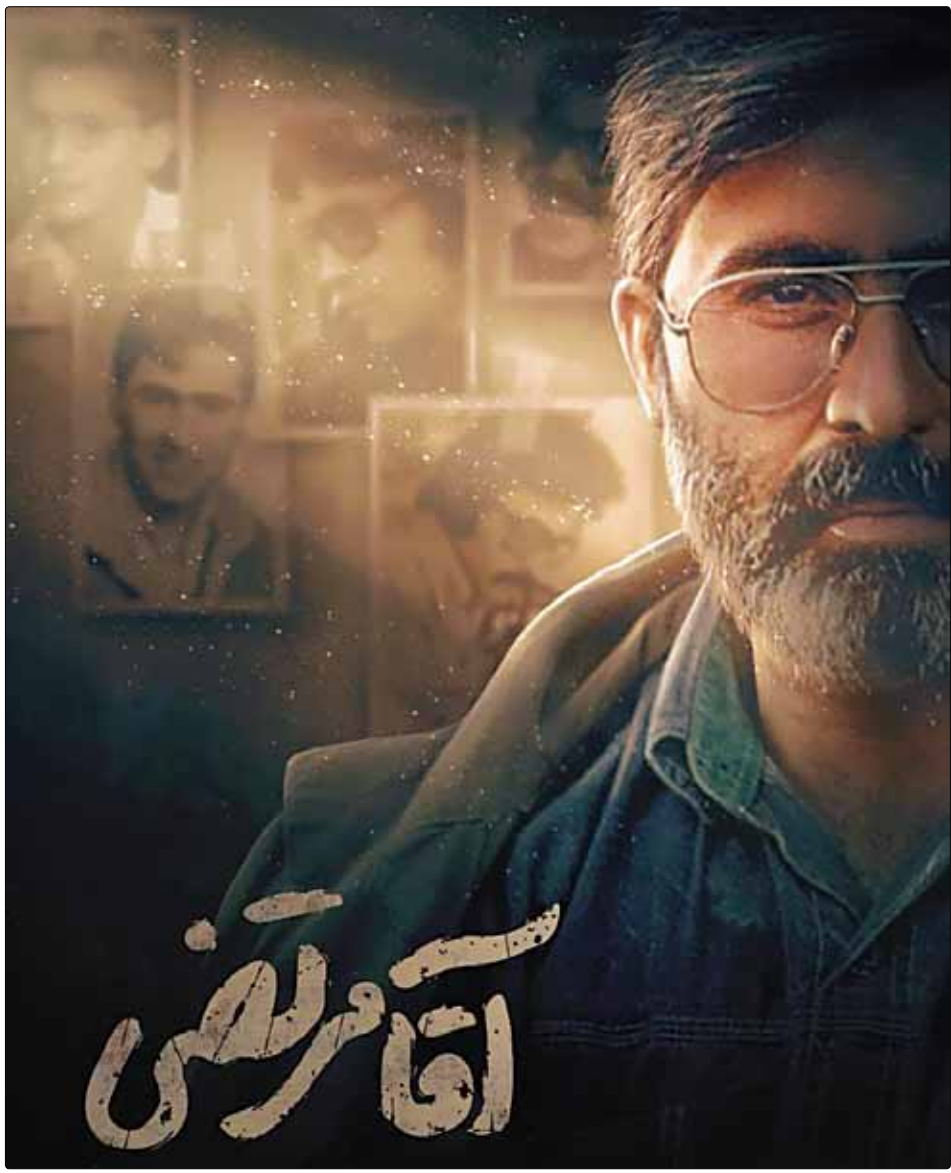
مصطفی پور کیانی: ۲۰ فروردین ماه، سالروز شهادت سیدمر ترضی آوینی به نام روز «هنر انقلاب اسلامی» نامگذاری شده است. به همین بهانه در پرونده‌های سراغ زندگی شهید آوینی رفته‌ایم تا به گوشه‌های از زندگی این شهید بزرگوار اشاره کرده باشیم. از سویی مستند ۷ قسمتی «آقا مرتضی» به کارگردانی سیدعباس سیدابراهیمی و تهیه‌کنندگی مهدی مطهر که بخش آن از شامگاه دپرویز یکشنبه ۱۵ فروردین آغاز شده، هر شب ساعت ۲۰ از شبکه ۳ سیما روی آنتن می‌رود. این مستند که محصول سازمان هنری - رسانه‌ای اوج و تولید شده در خانه مستند انقلاب اسلامی است، روایتی متفاوت و بدون سانسور از زندگی شهید اهل قلم سیدمر ترضی آوینی ارائه می‌دهد. در همین ارتباط با کارگردان این مستند به گفت‌وگو نشستیم تا روایت او را از زندگی شهید بازگو کنیم. محمود گیرلو، منتقد سینما و تلویزیون نیز در یادداشتی درباره شهید آوینی ما را در این پرونده همراهی کرد.

«آقا مرتضی» از کودکی تا شهادت

وی درباره شیوه روایت این کار گفت: قالب این کار گفت‌وگومحور است و اکثرا سعی شده با افرادی که با شهید آوینی ارتباط نزدیکی داشتند، مصاحبه شده و به صورت اپیزودی و فصل‌بندی زندگی شهید تدوین شود. این مستند از تولد آقا مرتضی شروع می‌شود و بخش‌های کوتاهی به دوران کودکی و نوجوانی ایشان اختصاص دارد و بعد به فضای دانشگاه و جوانی و قبل از انقلاب و سپس ازدواج آوینی می‌رسیم و تحولی که بعد برایش اتفاق می‌افتد و باعث می‌شود مسیر اندیشه و تفکرش تغییر کند و بعد از انقلاب که وارد جهاد سازندگی می‌شود و گروه تلویزیونی جهاد را راه می‌اندازند و پس از آن جنگ شروع می‌شود و گروه روایت فتح شکل می‌گیرد و بعد از جنگ هم حوزه هنری و مجله سوره و راهاندازی سری دوم روایت فتح و تا شهادت ایشان که کار به اتمام می‌رسد. کارگردان مستند «آقا مرتضی» درباره بخش‌های جدید این مستند که برای نخستین‌بار قرار است پخش شود، گفت: ما در این کار چند مدل کار جدید انجام داده‌ایم که تا به حال انجام نشده بود. بخشی از زندگی قبل از انقلاب شهید آوینی است که تا به حال مبهم بوده و خیلی به آن اشاره نشده بود و ما سعی کردیم مقداری شفاف‌تر و صریح‌تر درباره این مقطع صحبت کنیم؛ به عنوان مثال با ۲ تن از دوستان زمان دانشگاه و قبل از انقلاب ایشان صحبت کردیم که در جای خود نادر است یا بخشی که به ارتباط شهید آوینی با دکتر داوری‌رذکانی اشاره دارد یا بخشی از تصاویر آرشیوی از سفر حج و جبهه ایشان که تا به حال کمتر دیده شده است. در بخشی دیگر از کار درباره مسائلی که قبلا همه جا درباره آوینی گفته شده بود، با جزئیات بیشتر و شفاف‌تر صحبت شده است.

سیدعباس سیدابراهیمی، کارگردان مستند ۷ قسمتی «آقا مرتضی» در گفت‌وگو با «وطن امروز» درباره انگیزه ساخت این مستند در میان نوشته‌ها، مقالات، کتاب‌ها و کلیپ و مستندهای فراوانی که از شهید آوینی تا به حال تولید شده است، گفت: سال ۸۹ در یک مجموعه‌ای قرار بود پژوهشی کوتاه درباره بخشی از زندگی شهید آوینی انجام دهیم و تصور من این بود قطعا کتابی وجود دارد که زندگی شهید را از کودکی تا شهادت گردآوری کرده است و ما با مراجعه به آن کتاب، می‌توانیم پژوهش خود را انجام دهیم. پس از جست‌وجوهای فراوان متوجه شدم چنین کتابی وجود ندارد و این شد انگیزه‌ای که شروع کنیم به تهیه چنین متنی که اول تا آخر زندگی شهید آوینی را به صورت جامع یا سعی بر اینکه هیچ نکته خاصی در آن سانسور و یا حذف نشود، تولید کنیم. در فاصله بین سال‌های ۸۹ تا ۹۲ ما این کتاب را با عنوان «زندگی زیباست» تولید کردیم؛ کتابی داستانی و مستندوار و بعد از آن به فکرمان رسید که این کتاب را به مستند تبدیل کنیم تا به جذابیت‌های کار اضافه شود.

سیدابراهیمی درباره کاستی‌های مستندهای قبلی مربوط به آوینی گفت: معمولا مشکلی که درباره مستندهای مختلف از زندگی شهید آوینی وجود دارد، این است که در برنامه‌های مختلفی که معمولا در سالگرد شهید گرفته می‌شود و این مستندها پخش می‌شود، هر کسی به گوشه‌های از زندگی این بزرگوار اشاره می‌کند و روایتی جامع و کامل از زوایای مختلف زندگی و شخصیت این شهید وجود نداشته است و این کار مستند در نهایت پس از ۷ سال در سال ۹۹ به نتیجه و تولید رسید که تمام سعی‌مان این بوده همان روایت جامع را تولید کنیم.



از جان آوینی چه می‌خواهیم؟

آن را داشت که در مقابل پرسش‌های بزرگ قد علم کند و به آنها پاسخ دهد و دیگران را هم به تفکر وادارد. روشنفکران و متجددان حق هم دارند از کسی که مسلمات آنها را مورد پرسش قرار دهد خوش‌شان نیاید. ولی ای کاش کار به همین جا ختم می‌شد. کار آنجا گران می‌آید که عده‌ای متحجر و ظاهرین او را منحرف خوانند؛ در همین سال‌های پایانی حیات مادی‌اش ابایی هم نداشتند که بگویند شهادتش مانع انحرافش شد و عاقبت به خیر از دنیا رفت. تیغ لب تجدد و تحجر بود که خواست او را خلتان‌نشین کند، لیکن او مرد پرواز بود، نه کرم لجن‌زار. حالا که دوباره نام او بر سر زبان‌ها افتاده باید خوشحال بود و امیدوار؟! امید به آنکه فرصتی فراهم شود تا آثار مکتوب او خوانده شود و به دور از سیاست‌زدگی بررسی و نقد شود. در یادبودهای او اغلب ترس از مصادره آوینی به چشم می‌آید تا چیز دیگری. اگر محدود نشود به خاطره‌گویی و کلی‌گویی درباره او. افقی که آوینی در برابر همه ما می‌گشاید، افقی است از انتظار آنچه همه ما می‌گوییم و نمی‌دانیم که «انقلاب اسلامی زمینه‌ساز ظهور است» یعنی چه؟! و همیشه با خود فکر کرده‌ایم باید توسعه پیدا کنیم و صنعتی بشویم و به همه جهان بگوییم می‌شود مملکت مسلمانان هم توسعه پیدا کند. غافل از اینکه اگر قرار باشد با توسعه‌یافتگی حرف‌مان خریدار داشته باشد، هیچ وقت خریدنی نیست.

از او به جا مانده، نشان دادن سره از ناسره است و البته این کار را از موضع راهنمایی به مقصد رسیده انجام می‌دهد. تلاش برای نزدیک شدن به آنچه آوینی در جست‌وجوی آن بود، اگر با الزامی عملی همراه باشد، کار دست آدم می‌دهد و مخاطب صادق آثار او را به محرومیت از بخش مهم چرب و شیرین زندگی می‌کشاند. اگر بخواهید حرف‌های او را بشنوید، باور کنید و به ردای عمل به آن درآید، به قدر ارتباطی که با حقیقت آثار او برقرار کرده‌اید، در درس می‌آفتید. مگر اینکه شما هم مثل دیگران ادای او را در آورید و البته ادای او را در آورند هم زیاد سخت نیست. روایت رایج از آوینی روایت شهید آوینی است، نه هر ترضی آوینی؛ کارگردانی که مستند جنگی می‌ساخت و آخر هم در همین راه به فیض شهادت نائل شد. روایت خوبی است، نه؟! برای اینکه خوبتر هم شود، می‌دهیم برایش یک مقابله درست کنند که هر آوینی ندیده‌ای را کنارش ببریم تا زار بزندان بلکه کمی آدم بشود. لیکن این روایت همه آنچه آوینی بود، نیست. کسی هم از خود نمی‌پرسد چرا یک مستندساز نقیش می‌شود سید شهیدان اهل قلم؟ حق هم دارند آنهایی که حرف‌های او را دوست نداشته و ندارند. آنها که در سودای بهشت زمینی غرب به سر می‌برند، چرا باید از کسی که رؤیای آنها را آشفته می‌کند خوش‌شان بیاید؟! آوینی جرأت

وحید نصیری کیا: این پرسش را معادل آن نگیرید که «ما چه نسبتی با آوینی داریم؟» آیا واقعا میان مغضوب و محبوب شدن یک فرد و اندیشه‌هایش برای ما یک لحظه و یک اتفاق است؟ اگر چه هنوز به اندیشه و سیر و سلوک او چندان التفاتی نمی‌شود. برآستی کار او به فیض شهادت نمی‌رسد، باز هم موضع ما نسبت به او اینچنین بود؟ قطعا چنین نبودا حالا نام او شده است «شان استاندارد» و اینکه اگر آوینی شهید نشده بود، چنین می‌کرد که من می‌کنم حالا که نیست تا خانه‌نشین شود، می‌توان برایش «یادبود» گرفت و از قسمت‌های خوب حیات او برای «آوینی ندیده‌ها» گفت. اینکه بیشتر روزها، روزه بود. اسرار الصلاه می‌خواند و هزار کشف و کرامت داشت. اگر هم روزی این حرف‌ها خریدار نداشت، از سبیل نیچه‌ای دانشکده هنرش خواهیم گفت.

■ **آوینی از جان ما چه می‌خواست؟**
این ادعا عده‌ای را آزار خواهد داد که سیدمر ترضی آوینی لاقبل به بخش‌هایی از حقیقت دست یافته بود و هر کس که به چیزی در این حد دست یابد، ناگزیر از تقدیر روشنائی به سایر آدم‌هایی خواهد بود که در قسمت‌های تاریک‌تری از این عالم زندگی می‌کنند. دغدغه آوینی در کارهایی که

آقا مرتضی کجا بود!

نه تنها در انتخاب سوز، بلکه حتی در تکنیک و شیوه ساخت از جهان‌بینی خاص و منحصر به فرد او پیروی می‌کرد. مستند «آقا مرتضی» تلاش می‌کند با ترکیب آرشیوی شخصی، پشت صحنه ساخت مستندها و خود تصاویر مستند، به کمک روایت همراهان او بیاید و تصویر این دوره از زندگی او را کامل کند. مستند «آقا مرتضی» با شروع فعالیت آوینی به عنوان مستندساز در جنگ پایان می‌پذیرد. با شروع جنگ تحمیلی و سلاح دوربین را به دست می‌گیرد و مستندهای سریالی روایت فتح را با بیانی صریح و بی‌واسطه به تصویر می‌کشد تا «روزه جنگ» را بخوندد.

که در پس این تکثر نظرات، تصویر مرتضی آوینی واضح و واضح‌تر شود. از دوستان تا برادرش و حتی همسرش کمک گرفته است. حتی برای تکمیل روایتش سراغ زنی رفته است که پیش از این در روایت سلط هیچ‌گاه نامی از او نشنیده بودیم. زنی که اگر چه مستقلا در دنیای ادبیات شناخته شده و قابل تحسین است اما آمدن نامش کنار مرتضی آوینی تعجب بسیاری را برمی‌انگیزد. تلاش مستند برای ارائه تصویر بی‌طرف و همه‌جانبه از این برهه از زندگی آوینی جالب توجه است اما مشخص نیست چرا برای انعکاس زاویه دید خانواده آوینی به پخش حرف‌های پیش‌تر گفته شده و آرشیوی آنها اکثرا کرده است. تا آنجا که بیش از ۱۰ سال از ویدئوهای مربوط به سیدمحمد آوینی، برادر شهید یا تهیه‌کننده روایت فتح می‌گذرد؛ شیوه‌ای که صدقات گفتار و روایت مستند را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

آوینی پس از انقلاب و پیوستن به جهاد سازندگی به مستندسازی پرداخت. مستندسازی از کسانیکه پیش از این صدایی از آنها در هیچ رسانه‌های شنیده نمی‌شد؛ افرادی که نه تنها از نظر اقتصادی و سیاسی محروم بودند، بلکه حتی کسی از وجود آنها و وسعت ظلمی که طاغوتیان بر آنها روا می‌داشتند خبر نداشت. مستندهای مرتضی آوینی

فاطمه شریفی: کارشناس ارشد رسانه: کمتر کسی است که اسم سید شهیدان اهل قلم را شنیده باشد یا صدای گرم و گیرایش را در مستندهای روایت فتح به خاطر بیابرد. سید مرتضی آوینی اما برای اهل رسانه معنای دیگری دارد. آوینی از نخستین کسانی بود که به رسانه در وسعت دین اندیشید و باب جدیدی را در مطالعه رسانه گشود. اینها دلایلی است که آتش دانستن درباره آوینی را شعله‌ور نگه می‌دارد و سال‌ها به سال به هم آن می‌افزاید. اما فقط اینها نیست؛ ماجرا وقتی جالب‌تر می‌شود که زندگی آوینی را از بین سطور سیاه زندگینامه‌هایی که دربرایش نوشته‌اند بی‌گیریم. این که مرتضی آوینی اگر چه در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود اما جوانی و نوجوانی‌اش را طور دیگری طی کرد. مرتضی آوینی یا همان طور که دوستان هم دانشکده‌های‌اش او را صدا می‌زدند، کامران آوینی؛ جوانی بود با ظاهر امروزی، کروات می‌بست، مو بلند می‌کرد، در دانشکده هنرهای زیبا معماری می‌خواند، به فلسفه غرب علاقه‌مند بود و روایتی خاص و مطابق دوران خودش داشت. چه شد آن جوان انتالکچوال دانشکده معماری دانشگاه تهران، مرتضی آوینی نشریه سوره شد! لحظه اوج داستان آوینی، پیچ دراماتیک قصه او کجا بود؟ کوه طور او کجا سر راهش قرار گرفت؟ درباره این تغییر روایت‌های زیادی گفته‌اند و شنیده‌ایم. قسمت اول مستند «آقا مرتضی» تلاش کرده است آوینی را در این‌ها گوناگون بنمایاند. آنچنان

اندیشه آوینی در سینما ماندگار شد

متعلق به انقلاب اسلامی را مطرح کند و در کنار تولیدات متعدد و متفاوت، نمونه‌های مورد علاقه‌اش را مورد تشویق و تجلیل قرار می‌داد. مثل فیلم مهاجر و دیده‌بان ابراهیم حاتمی کیا یا فیلم نیاز علیرضا داوودنژاد. در همان دوران افرادی که تشنه اندیشه‌های اسلامی در سینما بودند، به او اقتدا کردند ولی برخی افرادی که از اساس با سینما مخالف بودند و نظریه‌های نوین امام خمینی را بر نمی‌تابیدند او را مورد حمله رسانه‌ای و محافل خصوصی قرار دادند. برخی که با او نزدیک نبودند اما در مقطعی که فقط قرار بود همراهش باشند تا به اهدافشان برسند سعی کردند خصوصیت‌های خود به فیلمسازان را به او تحمیل کنند و بعد شهادتش هم خود را نماد آوینی واقعی معرفی کردند و مسیر را به سمت اهداف اقتصادی و اندیشه‌های ضد هنر و سینمای خود کشاندند؛ چنانکه با اندیشه غلطی که ترویج کردند پس از گذشت سال‌ها، نمی‌توانند جز چند فیلم به تعداد انگشتان دست، از سینمای انقلاب اسلامی یاد کنند. به گونه‌ای القا شده است که فقط فیلم‌ها یا فیلمسازهایی که ظواهری از

و برخی هم به خاطر عدم درک موقعیت جدید به سبک و سیاق گذشته با حذف زوائد عمل می‌کردند اما شهید آوینی قدرتش در ارائه نظر به‌ها قوی‌تر و مستندتر بود. به همین دلیل ماندگار شد و رهروان بسیاری را به دنبال خود کشاند. من در جوانی از تندروهای آن دوران بودم و مخالف مهربانی و عطوفت او نسبت به دگراندیشان؛ روزی تلفنی با شهید آوینی به گفت‌وگوی چالشی پرداختم. او در پاسخ، جمله زیبایی گفت که همیشه ایزه گوشم قرار داد. او گفت: «اندیشه را نمی‌توان با زور و چماق و فحش و دعوا به آدم‌ها تحمیل کرد، بلکه با نقد صحیح و متصفانه و گفت‌وگو باید به دل و عقلش منتقل کرد» و همین عنوان صدق رفتار و اعمالش بود. چنانکه در سمینار پس از انقلاب اسلامی که در کانون برگزار شد با آرامش و منانت به نقد و پرسش و پاسخ پرداخت و بعدها که فیلم‌های سینمای ایران را می‌دید و داور جشنواره فیلم فجر بود، حکم به نابودی و تعطیلی سینما و جشنواره نمی‌داد، بلکه با آرامش و گفت‌وگو تلاش می‌کرد اندیشه خود در زمینه سینمای

ماندگار کرد. به عینه شور انقلابی و دینی را که سرشار از شعور بود، در دوران انقلاب و پس از آن در دوران دفاع مقدس می‌دید و به همین دلیل عینی، تمام عمر و وقت و فکر خود را صرف موفقیت و سربلندی می‌کرد. او که ابزار قدرتمند هنر بویژه دوربین را در کار کرده بود، با اندیشه‌هایی که از دوران خود بویژه نشأت گرفته از افکار امام خمینی و یارانش بود و مصادقش را به عینه می‌دید، توانست سبک و روشی مدرن و نوین را در فیلمسازی بویژه مستند در تاریخ این کشور به یادگار بگذارد.

آوینی قبل از آنکه سینمایی باشد، یک تئوریسین اندیشه اسلامی بود که در بخشی از آن به شناخت و آگاهی ارتباط دین و هنر و سینما پرداخت. پس از انقلاب اسلامی که ایران در همه زمینه‌ها دارای تئوری مستقل و نابی بود، جمعی تلاش کردند در حوزه هنر و بالاخص سینما با تئوری‌ها و نظریه‌های اسلامی به سبک و روشی از فیلمسازی برسند. اختلاف نظرهای مختلفی در این زمینه وجود داشت و فیلم‌های متفاوتی هم ساخته می‌شد

محمود گیرلو: برخلاف برخی، گذشته شهید آوینی یعنی عمر قبل انقلابش مهم‌تر از عمر پس از انقلاب اسلامی بود. آگاهی و شناخت او از مکاتب مختلف و سرانجام رسیدن به گوهر ناب اندیشه اسلامی، دقیقا همان خواسته قرآن و اندیشه فقه اسلامی است که انسان با درک شناخت کامل به آنچه تکمیل‌کننده‌نهایی است برسد و اینجاست که انسان می‌تواند با اراده و مصمم، تکیه به نظریه‌های خود کند و با قدرت و کمال به دفاع بپردازد و سرانجام به آنچه ایمان دارد برسد. آوینی مصادق این شیوه انتخاب بود و یکی از دلایلی که انقلاب اسلامی پس از گذشت بیش از ۴۰ سال همچنان استوار و قدرتمند است، وجود همین شیوه و روش گفت‌وگو بوده، بویژه در اوایل انقلاب. مطمئنا اگر نبودند مکاتب مختلف و چالش و بحث و گفت‌وگو ایجاد شده در اوایل انقلاب، نسل انقلابی خالص این مقدار دوام نمی‌آورد. آوینی سرشار از شعور و شور بود و همین، نام او را برجسته و



آلبوم تصاویر

